



رنگین



سپینها

گهات

بقلم

طغرل آقشار

فروردین ماه ۱۳۳۳

چاپ مسعود



بقلم

طغرل آقشار

فروردین ماه ۱۳۳۳

چاپ محمود سعید

قسمت اول

مختصری درباره پیمان ارزش و اهمیت هنر سینما

مقدمه

در این ۶ سالی که قلم بدست گرفته و درباره هنر سینما مطلب پردازی می‌کردم و یا به‌بارت بهتر محصولات سینما را برای مردم مورد بحث و انتقاد قرار داده و نکات مختلفی که چه از لحاظ هنری و چه از لحاظ اخلاقی و اجتماعی کم و بیش در بعضی از فیلم‌ها وجود دارد میان می‌نمودم ... همیشه در فکر آن بودم که به وسایل مختلف که جنبه عملی آن بیشتر و موثر تر باشد اقدام به معرفی و بیان صحیحی از این هنر بزرگ بنمایم تا شاید بدین وسیله افکار اجتماع درباره سینما آنطور که لازم است روشن شده و دوستداران این هنر میدان بیشتری برای توسعه فکر و ذوق هنری خود پیدا کرده و مباحث و مطالب انتقادی هنری جای‌گزین مطالب مبتذل و بوج سینمایی جراید گردد البته در این راه موانع زیادی بوجود آمد مبارزه عجیبی جریان یافت که هنوز برای اجتماع مازود می‌نمود با این بودن سطح فرهنگ آشنا نبودن اکثریت مردم با مبادی هنرهای مختلف و عدم آمادگی اذهان بعلمت بهرانهای سیاسی و اقتصادی یکی از عواملی بود و حالاً هم هست که از توجه مردم برای درک واقعیات هنری سینما مانع می‌شود.

ولی از آنجائی که سینما در طی مدت‌زمان یگانه و بهترین وسیله تفریح عمومی مردم تهران و شهرستانها شده است و در واقع بد یا خوب بهترین وسیله سرگرمی و وقت گذرانی مردم را تشکیل میدهد بدین جهت باید معتقد شد که در صورت آشنا بودن مردم با قسمت‌های مختلف سینما و نکات و جنبه‌های یکایک محصولات سینمایی و مبارزه برای طرد فیلم‌های مبتذل تجارتمی و بالعکس نمایش محصولات عالی و آموزنده سینما قدم موثری برای ترسعه روشن‌بینی و فرهنگ توده‌های مردم برداشته خواهد شد زیرا من و شما بخوبی میدانیم سینما که مجموعه کامل از هنرهای مختلفه است چه تاثیر شگرفی در افکار و روحیات یکایک مردم که به سینما می‌روند باقی می‌گذارد بنا بر این من لازم میدانم که یک مجموعه کاملی درباره سینما منتشر نمایم تا شاید بدین وسیله مقدمه‌ای برای ایجاد یک میدان وسیع برای یک مبارزه دامن‌دار هنری درباره سینما شده باشد و هنرمندان سینما بخاطر اهمیت

این هنر از لحاظ اجتماعی، بخاطر مبارزه در راه يك هدف مقدس و صحیح هنری در راه خلق قدمی بجای بردارند... در این مجموعه مختصری از تاریخچه پیدایش صنعت سینما - سینما توگرافی در کشورهای مختلف - اساس فیلم برداری در ایران اجمالاً شرح داده شده و سپس بهترین فیلم های ۳ سال اخیر معرفی گردیده و ده فیلم بزرگ سال ۱۳۳۲ که در تهران نمایش داده شده اند بطور کامل از لحاظ هنری و اجتماعی مورد بحث و انتقاد قرار گرفته اند البته در طی این بحث و انتقاد کلیه نکات و جنبه های هر فیلم تفسیر شده و میزان تاثیر آن از لحاظ اجتماعی بیان میگردد... در طی این مجموعه که بیشتر در اطراف مباحث انتقادی فیلم ها دور میزند سعی نموده ام که کلیه نکاتی را که می توان در روی پرده سینما دید و وجه تمایز محصولات که از لحاظ افکار عمومی و اجتماع متمدنی مبتدل و گمراه کننده می باشد یا محصولات را که می توانند در پرورش فکری و روحی افراد و نمایش حقایق و جریانات زندگی با آنها و آموختن نکات مفید و دل موثری را ایفا کنند بیان نمایم

يك مسئله دیگر که باید مورد توجه خوانندگان عزیز واقع شود اینست که ما باید از سینما که بهترین وسیله تفریح قرار گرفته است مانند يك هنر آموزشی و متمدنی استفاده ببریم و سینما مانند تنها وسیله تفریح و خوشگذرانی نگریسته و آنرا وسیله وقت گذرانی یا شاید هم وقت کشی بدانیم و لذایذ عمیق معنوی را بگذاریم بوج سطحی و موقتی نفروشیم... همانطور که بین آثار برجسته ادبی نویسندگان بزرگ با رمانهای مبتدل و بوج رمان نویس های عادی و یا بین آثار و قطعات کمپوزیتورهای برجسته با سازندگان آهنگ های تفریحی فرق میگذاریم بین محصولات کوچک تجارتي و محصولات بزرگ هنری که دارای جنبه های تربیتی اخلاقی و اجتماعی هستند تفاوت میگذاریم بخاطر هنرمندانی که ذوق، فکر، احساسات و بالاخره نبوغ خود را وقف ایجاد ابتکارات تازه تر و پرورش هنر برای ما و نسلهای آینده کرده اند، ما بخاطر این فداکاری و از خود گذشتگی خود را مستلزم بزرگ نتایج کار و آثار زحمات فکری آنها بدانیم و مطمئن باشیم که کسانی که از نزدیک با حقیقت هنر و زندگی و زیبایی آشنا میشوند می توانند سعادت حقیقی را بچنگ آورده و بسهم خود عامل موثری برای هدایت هموعان خود و تامین جزی از سعادت نسلهای آینده بشوند مقصودم از ذکر این مطالب اینست که ما هر اندازه خود را با هنر و افکار هنری نزدیکتر سازیم بهتر می توانیم با زندگی و منابع فرهنگی آن آشنا شده و در رستخیز تکامل بشر سهیم باشیم همانطور که علم و صنعت بطور سریعی ترقی میکنند و زندگی مادی و حیاتی بشر را قرین سعادت میسازد هنر های ظریفه نیز باید جهت پرورش عالم معنوی و احساسات درونی و فردی انسان ترقی و توسعه یابند ما بامختصر توجهی می توانیم بی ببریم که نوای موسیقی، تصاویر متحرک و الوانی که ما می بینیم تا چه اندازه در روح و فکر ما موثر است هنر سینما مجموعه کاملی از هنرها است صنعت فیلم برداری نمایشی از زندگی است یعنی آنچه در زندگی بشر جریان دارد به وسیله سینما نشان داده میشود.

هنر نقاشی، مجسمه سازی، حجاری و مجموعه جریاناتی که در زندگی وجود دارد در روی پرده سینما دیده میشود بازی انسانها برای مجسم نمودن پیرسوناهای تاریخی و یا

آثار قلمی نویسندگان و مهم‌تر از همه موسیقی متن فیلم که بزرگترین عامل پرورش داستان و فکر و صحنه های هر فیلم است و بالاخره جریانات روز مره زندگی بشر و جنبش های طبیعت که در فیلم های دکورمانته (مستند) دیده میشود همه ای از چیزهایی است که سینما بمانشان میدهد. ولی متأسفانه در زمان حال هنر سینما در غالب کشورها وسیله سوداگری و منفعت جوئی عده ای سرمایه دار قرار گرفته است که از آن مانند يك امته و کالای تجارتي استفاده کرده و به همین جهت غالب محصولات سینمایی کمپانی های تجارتي آثار مبتذل و بدون هدفی هستند که از جریانات و صحنه های ساختگی تجارتي تشکیل یافته اند در مباحث این کتاب مطلب فوق فوق العاده مورد توجه قرار گرفته است. تاوجه تمایز محصولات تجارتي با محصولات هنری آشکار گردد

در اینجا من لازم میدانم از حسن نیت، دوستی و مودت بی پایان کسانی که در این چند سال در این مبارزه هنری بامن همفکری و همکاری نموده و چه معنا و چه عملاً و چه با نامه های متعدد که برایم ارسال داشته اند مراد در این مبارزه پشتیبانی کرده اند تشکر نمایم و در این میان از دو نویسنده موقی همکار خود یعنی آقایان **دکتر هوشنگ کاوسی** و **فرهاد فروه سی** نیز یاد کرده و در عالم تنهایی از دوستان هم نظر قلمی خود ابراز امتنان نمایم. در خاتمه از خوانندگان عزیز خود تمنا دارم که عقاید و نظریات خود را در باره مطالب این کتاب مرا اندازم هم که باشد دقیقاً بروی کاغذ آورده و با درس من (خیابان جامی - کوچه قابوس - کاشی ۶ - طنز افشار) ارسال نموده و مرا فرین امتنان فرمایند.

این یگانه مجموعه سینمایی را با اهل قلم و ارباب ذوق و هنر و عموم دوستداران هنر و سینما اهداء میکنم و آرزو دارم که بتوانم بعدها در راه این هدف توسط هنرمندان واقعی قدمهای موثرتر و بزرگتری برداشته شود. و هنر سینما در ایران با سرعت بیشتری توسعه و ترقی یافته و میزان روشن بینی عموم مردم توسعه یابد. **مؤلف**

مختصری از تاریخ پیدایش سینما

در حدود هفتاد سال قبل در فرانسه عده‌ای عکاس بوسیله پروژکتور با ترتیب دادن عکسها پشت سر هم يك نمايش شبیه به شهر فرنگ ترتیب میدادند در واقع در عملیات خیمه‌شب‌بازی و شهر فرنگ مختصراً ابتکاراتی بکار برده آنرا بشکل يك نمايش متحرك عكاسی درمی‌آوردند ، همچنین نقاشها با کشیدن تعداد زیادی تصویر داستانی را مجسم میکردند و اینهم مقدمه برای اختراع اساس فیلمهای مولتی - پلیکاسیون بود که پس از اختراع سینما ازج گرفت . بالاخره در ۶۳ سال قبل «لوئی لوهیر» دانشمند فرانسوی پس از تجربیات فراوان موفق به اختراع دستگاه فیلمبرداری شد و سپس در سایه مجاهدت عده‌ای دیگر اهل فن این صنعت ظریف توسعه پیدا کرد و چون بهترین وسیله تامین لذایذ بشری مردم بود با استقبال بی نظیری روبرو گشت تا دامنه آن بسایر کشورها و ممالک جهان نیز کشیده شد و کشوری که زودتر از همه از این اختراع اقتباس و استفاده نمود امریکا بود که دستگاه فیلمبرداری را کامل کرده و با جلب توجه عده‌ای صاحبان سرمایه و موسساتی برای تهیه محصولات سینمایی ایجاد کرد ، از لحاظ جنبه هنری و صنعتی نیز در فرانسه و انگلستان اقدامات زیادی برای توسعه سینما بعمل آمد . در زبان جنك بین الملل اول محصولات متعددی بروی پرده درآمد ولی سینما هنوز نمايش ناقصی بود که بزرگترین نقص آن را صامت بودن تشکیل میداد تا اینکه بسا اختراع سینمای ناطق در سال ۱۹۲۹ تحول جدیدی نظیری بوجود آمد و این تحول مقدمه‌ای برای ترقی و توسعه این هنر گردید منتهی البته جهد و کوشش بیشتر برای توسعه ترقیات فنی و صنعتی این هنر بود و به سئله اجتماعی آن کمتر توجه میشد ولی با همه این در این میان کسانی هم یافت شدند که برای حفظ جنبه هنری سینما تلاش نموده و نهضت هاوسینه کلوبهای و استودیوهای هنری سینما برای تهیه و نمايش محصولات با ارزش تشکیل دهند . در سالهای اخیر يك قدم بزرگ و موثرتر برداشته شد بدین معنی که فیلمهای سه بعدی اختراع گردید و سینه‌ها را هاوسینه سکوپ بوجود آمد آمار دقیق نشان میدهد که در هر سال بلکه هر ماه و هر روز هزاران نفر بر تعداد علاقمندان و تماشاچیان سینما افزوده میشوند در هر هفته در جهان دو بست و پنجاه ملیون نفر سینماها را پر و خالی میکنند و ده‌ها هزار نفر در نتیجه مشاهده و تعلیم یافتن توسط سینما با فکر روشن‌تر و قویتر یادر اجتماع می‌نهند از سینما مانند يك وسیله موثر هدایت اجتماعی و عملیات علمی و صنعتی جهت عموم طبقات مردم کما بیش استفاده میشود و این هنر در طی نیم قرن سابقه خود بعنوان یکی از موثرترین وسائل تعلیم و تربیتی و کاملترین هنر انسانی شناخته است.

سینما در کشورهای مختلف اروپائی و امریکائی

اروپا این نر را هم مانند سایر هنرها خوبی در دامان خود پرورش داده و در کشورهای متقدم و متمدن و مرفه اروپائی برای توسعه، تکمیل و ترویج سینما اقدامات موثری بعمل آمد در این میان کشورهای آلمان و فرانسه پیشقدم بودند، امریکا نیز مانند همیشه این اختراع را گرفت و تکمیل کرد و سرانجام هم از لحاظ تکنیک و میزان محصول حائز رتبه اول گردید هنرمندان عالم سینما اهم از فیلمبردار رژیسور و هنرپیشه و... در سایه همکاری همگانی تشکیلات متحدی ایجاد کردند و بر اهمیت و جنبه اجتماعی سینما افزودند.

در فرانسه که همیشه میدان وسیعی برای یکنه تازی افکار و عقاید هنرمندان در زمینه های مختلف هنری بوده است در زمینه سینما هم مکانیبه مختلفی بوجود آمد و سرعت توسعه یافت و حتی مکانیبه فلسفی و اجتماعی نیز در موضوعات سینمایی راه یافتند و بدین ترتیب سینما یک وسیله بیان افکار مختلفه فلسفی و اجتماعی بشر گردید.

تجلی محصولات سینمایی در هر کشری نموداری از ذوق و طرز تفکر هنرمندان آن کشور گردید بطوری که در جنگ بین المللی دوم در کشور آلمان محصولات سینمایی برای تبلیغ فکر ناسیونال سوسیالیسم و فاشیسم در کشور اتحاد شوروی برای شناساندن رتروبیج ایده انترناسیونالیسم و در فرانسه که جولانگاه هنر نمایی دستجات مختلف است آثار سینمایی بیان کننده یک هرج و مرج فکری و افکار مختلف فلسفی گردید در امریکا که پانیه های بزرگ فیلمبرداری سینما را یک وسیله صرفا تجارتنی قرار دادند علاقه مردم به مسئله داستان سرایی سبب شد که در پانزده سال اخیر فیلمهای آرٹیسٹیک که دارای سوژه بوده و هنرپیشگان زیبایی دل پرسوناژهای آن را ایفا می کردند بیشتر تهیه شده و بر فیلمهای حقیقی، مولتی پلپکاسیون، و علمی ترفیق یابند و فیلمها در اطراف بازی هنر پیشگان دورزند ابهت گپانیه های تجارتنی بانشر و توزیع عکسهای دلفریب هنرپیشگان زیبا توده های مردم جهان را نسبت بسینما راغب و علاقه مند ساختند در طی ده سال اخیر در کشورهای کوچک اروپائی مانند سوئد، مجارستان، چکواسلواکی، اسپانیا، لهستان و همچنین کشورهای مصر و هند ترکیه صنعت سینما توگرافی بوجود آمد و در بعضی از کشورها از جمله چکواسلواکی و مجارستان خیلی توسعه یافت و اما در این کشورهای کوچک برخلاف امریکا فیلمها بیشتر بجز بانات تاریخی خود آن کشور اختصاص یافت بطوری که ما در محصولات مجارستان و یالاتان بیشتر بموضوعات و مسائلی برخورد می کنیم که به زندگی خود آن ملت در طی تاریخ اختصاص دارد بااختراع فیلمهای سینما مراما و سینما سکوب سینما در جهان وارد مرحله تازه تری میشود و جای شك و تردید نیست که هر سال بیشتر تکامل و توسعه یافته و آبنده درخشانی را هموار خواهد کرد

سینما در ایران

صنعت فیلمبرداری و علل ابتذال کلیه محصولات سینمایی

در ایران

با ورود متفقین بایران چیز های نوین و تازه ای باینکشور آمد. و از جمله پروژکتور و دستگاههای فیلم برداری بودند که بتدریج بایران آمده و بعضی فیلم های دکومانتی تهیه گردید قبل از جنگ جهانی اولین فیلم فارسی که تهیه شد فیلم «دختر ار» بود که اولین اثر سینمایی ایران محسوب شد این فیلم در سال ۱۳۱۴ در هندوستان توسط یکمده متخصصین سینمایی تهیه گردید و چندین مرتبه هم در تهران نمایش داده شد ولی تاریخچه تهیه فیلم را در ایران باید از پنجسال پیش تا کنون یعنی از سال ۱۳۲۸ دانست، استودیو میترا فیلم (پارس فیلم کنونی) فیلم «طوفان زندگی» را تهیه کرد که در سینماهای رکس و متروپل به معرض نمایش گذارده شد و استقبال شدید مردم نسبت باین فیلم سبب شد که عده بیشماری در صدد تهیه فیلم و تشکیل استودیو بیفتند و در ظرف یکسال و نیم تعداد استودیوهای فیلمبرداری از سی تا هم تجاوز کرد و محصولات متعددی یکی پس از دیگری بروی پرده آمدند که مردم هم بجزرم علاقمند بودن بمحصولات وطن خود دوست داشتن موسیقی ایرانی و فهمیدن مکالمه فارسی از این محصولات که یکی از دیگری مبتذالتر و بوجتر بودند استقبال کردند.

تا کنون که شاید بیش از سی فیلم فارسی بروی پرده آمده است ما چیز موضوعات یکنواخت و بدون هدف، صحنه های مکرر و خسته کننده، بازی بی حالته هنرپیشگان و حرکات تاآثرال آکترهای تاتر، صحنه های متشابه کاباره و زندان و بالاخره رقص و آواز ایرانی که حتی در فیلمهای دراماتیک نیز وجود پیدا کرده اند چیز دیگری ندیده ایم. بطور کلی نکات کلی و اساسی زیر در فیلمهای فارسی دیده شده است :

بدبختی یکزن یا یکمرد ! موضوعات فیلمها بیشتر در اطراف بدبختی

یکزن یا یکمرد دور میزند، دختری را می فریبند یا اینکه خود گمراه می شود آ وقت او در نتیجه این خبط و اشتباه دامنش آلوده شده و در منجلاب فساد غوطه ور میگردد بعد این زن فاحشه شده دیده در کاباره بکار پرداخته و تبدیل بیک آوازه خوان ورقاص زیر دستی می شود که محبوبیت عجیبی بهم رسائیده است !! بعضی اوقات در يك موضوع مانند موضوع فیلم «افسوانگر» بدختر نجیبه و عقیقه ای برخورد میکنیم

که او هم آوازه خوان کاباره میشود و بدین ترتیب زندگی يك نجیبه با يك معروفه
 بیکنجا آنهم آوازه خوانی ختم میشوند. برخی اوقات مسئله بدبختی یکزن تبدیل
 بدبختی یکمرد میشود در اینصورت مرد جوان معمولی در نتیجه اشتغال بقمار و عیاشی
 کلیه ثروت و هستی خود را از دست داده و لنگرد و سرگردان و فقیر شده و حتی
 زندگی خانواده کیش نیز از هم پاشیده میشود عاقبت این جوان نیز مرگ و نیستی
 است اگر نظری بموضوعات فیلمهای دراماتیک فارسی بیفکنیم غیر از آن در آن
 چیزی نمی یابیم.

در فیلمهای «بنی پناه» - «چهره آشنا» - «محکوم بی گناه»
 «شبهای تهران» بدبختی و سقوط یکزن او در فیلم های «دولنگرد»
 «غفلت» سقوط و تیره روزی یکمرد در نتیجه قمار و عیاشی اساس مطلب موضوع
 فیلم را تشکیل میدادند.

لودگی و مسخرگی! اگر فیلمهای کمدی موزیکال توجه کنیم به

حقایق تلختری بی می بریم موضوعات کمدیک فارسی از مثنوی عملیات مسخره و لودگی
 و هجو سرایی تشکیل یافته که مفهوم آن مسخر زندگی و نتیجه آن ایجاد هرج و مرج
 و بوجی فکر میباشد. در این موضوعات که بیشتر بمسخره شبیه هستند تا بکمدی زندگی
 انسان مورد استهزاء قرار میگیرد و بهات نیز حقارت میشود نمونه این طرز عمل و
 مسخرگی را میتوان در فیلمهای حاکم بکروزه جدال با شیطان و دختر چوپان دید
 و قبول کرد که از هر فطری بازی گنان ایرانی برای ایجاد مضحکه سوء استفاده شده
 و می شود !!

تنظیم یک فیلم گاهل: استودیوهای فیلمبرداری برای تنظیم و تکمیل فیلم خود

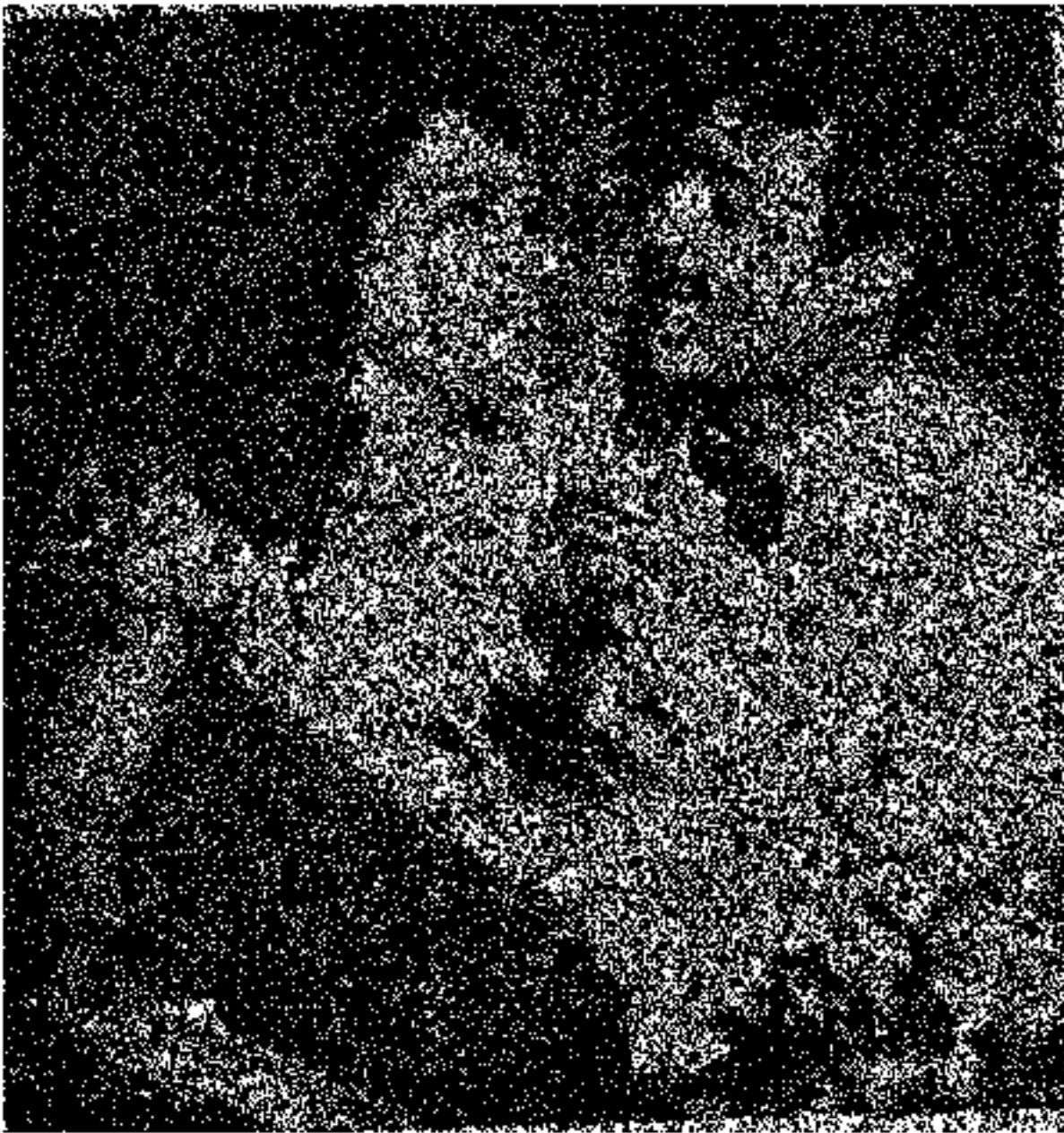
گاه دست بتهیه صحنه های اضافی و بیمورد میزنند که جریانات این صحنه ها کاملاً
 خارج از موضوع اصلی سناریو است و علت این امر اینست که چون میزان کار
 و تقسیم سناریو از اول تنظیم نشده است ناگاه کارگردانان متوجه میشوند که
 باید چند صحنه اضافه نمایند تا فیلم کوتاه نشود! آنوقت است که صحنه سازیهای ساختگی
 شروع میشود. در فیلم «دختر چوپان» اگر دقت کرده باشیم بهمین نکته
 بی می بریم، متراژ خیابانهای تهران از خیابان فردوسی تا تخت جمشید گرفتن پنچری
 ماشین صحنه هایی است که برای پر کردن فیلم بکار رفته است.

يك موضوع کوتاه بی سروته را بامثنی صحنه سازیهای ساختگی و مسخره
 سر هم بند کرده و بنام فیلم و سینما بخورد مردم میدهند صحنه های طولانی آواز و
 منظره سازیهای فیلمها همه قسمتهایی هستند که برای تکمیل ساختن مدت فیلم اضافه
 شده اند و علت اساسی این امر همانا عدم تنظیم قبلی سناریو میباشد.

نکات یکنواخت: مسئله دیگری را که در تمام فیلمهای فارسی اهم از

درام و کمدی میتوان پیدا کرد وجود کاباره، زندان، ورنس و آواز میباشد، این
 موضوع در همین حال که بی اندازه مضحک است چنیه تاسف انگیزی نیز دارد!! کاباره
 و زندان و اخیراً هم صحنه دادگاه از مستلزمات فیلم های فارسی شده است، هنوز

چند صحنه از شروع فیلم
 میگذرد که ناگهان با صحنه
 يك كاپاره روبرو میشویم
 رقاصه ای زیبا باطنازی ۱۱
 هرچه تمامتر مشغول رقص
 عربی و قردادن کمر است
 در طرف مقابل او خواننده
 ناگامی نیز در حالیکه
 اشک میریزد ؟ شعر
 دلدادگی و غم روزگار
 را میخواند در محوطه کاپاره
 عده ای نشسته اند که منظره
 آنها مانند کسانی است که
 بتماشای کنسرت یا تئاتر
 رفته باشند ، همه جور
 آدم که بهیچوجه با هم
 تناسبی ندارند صندلی
 ها را اشغال کرده و چون
 اشخاصی هستند که ظاهر
 هدن در روی پرده سینما



سناره اول فیلم آواز میخواند!

برای آنها يك خاطره هیجان انگیز فراموش نشدنی است، در مقابل آپاره ظرفیت و
 اراده خود را از دست داده و با حرکات غیر طبیعی ناراحتی خود را نشان داده و حتی
 گاهی نگاهی دزدکی به دسی دستگاه فیلمبرداری میکنند و حتما در آن موقع تهره
 گوشه اش آقای رژیسور را بلند میکنند؛ نکته دیگر در فیلمها وجود زندان میباشد و چون در
 داستان فیلم همیشه بدبختی و سقوط زن و مرد وجود دارد این بدبختی اول با زندان
 شروع میشود و این صحنه زندان مقدمه شروع بدبختی است اصحنه های یکنواخت
 کاپاره را در فیلمهای «گل نشا» - «مادر» - «افسونگر» - «بی پناه» و ...
 دیده ایم ، و اما رقص و آواز !! معلوم نیست روی چه اساسی هنری یا سینمایی جز
 يك اساس صرف تجارتي برای فیلمها وجود رقص عربی را تقریبا اجباری نموده اند .
 هنگامیکه برای نماهای يك فیلم کاملا درام رفته اید و انتظار دارید که با نکات و جریانات
 کاملاً جدی از وقایع دردناک زندگی روبرو شوید ناگهان در اواسط فیلم بدون مقدمه خود
 را با يك صحنه رقص عربی که معمولا در کاپاره ها اجرا میشود روبرو می بینید در
 فیلم دراماتیک «غفلت» کار بجائی کشیده بود که در وسط اطاق يك منزل معشوقه
 هنرپیشه فیلم لغت شده و عربی میرقصید ، البته با نهایت تلاف باید قبول کنیم که
 شادی و نشاط بعضی از خانواده های اصلیزاده ما در مراسم جشنهای خانوادگی نیز
 آوردن و رقصاندن رقاصه های ایمة عربان کافه های پست میباشد ولی نباید
 فراموش کنیم که ما باید سینما را يك هنر آموزش اجتماعی بدانیم نه يك وسیله نمایش
 هرزگی و فساد زندگی !! در موضوعات اجتماعی میتوان فساد را نیز مجسم نمود

تنها نباید آرا
 يك شكل عادى و
 زيبا و پرشكوه و
 جلال و حتى مطلوب
 جلوه داد

بشير از رقص
 هر بي ايز رقص ديگر
 در اين فيلمها کمتر
 ديده ميشود، از
 اين گذشته آواز
 خواندن در فيلم چه
 درام چه كمدى يك
 امر قطعى و لازمى
 قلمداد شده! آنهم
 ستاره اول فيلم كه
 مشغول ايفاي بكار
 تاتر انگيز درام
 اخلاقى ميباشد
 آوازه خوان از
 آب درآمده و در
 كاپارهها در وصف
 لب و لوجه كودكش
 ميشواند ... بايد



صحنه كاپاره در فيلم بازگشت

اذهان كرد كه تا كنون ديده نشده است كه در يك فيلم فارسى آواز خوانده نشود!... اينكار
 برخلاف اصول و قواعد هنرى سينما است! آيا هيچگاه ديده شده است كه در يك
 فيلم تراژدى و يادرام اخلاقى محصول خارجى ستاره فيلم در كاپاره آواز بخواند،
 كار اين آوازه خوانيهاي بي مورد كه در برخى از فيلمها بكلى زيادى محسوب ميشدند
 بجائى رسيد كه در فيلم «مادر» ستاره اول فيلم دهها قطعه شعر در وصف لب و لوجه
 كودكش و مرك يارش و خوبى و بدى هوا خواند و يك سوژه درام تبديل يك فيلم
 موزيكال گرديد! بايد تصديق كنيم كه با توجه بقواعد تهيه يك فيلم وجود چنين
 نكات دائمى نامتناسبى صرفنظر از برهم زدن جنبه هنرى از لحاظ اصول پس-
 قلمط و زننده است و بدن شك هدف مادى و تجارتي صاحبان استوديوها موجب
 وجود چنين نكات متضاد و نامتناسبى در فيلمها مى شود بطوريكه آواز و رقص تا كنون
 باشكال مختلف در كلييه فيلمهاى فارسى بدون استثناء وجود داشته است.

بازى هنر پوشهها در وجود دختران و پسران ابرائى كم و بيش استعدادهاي

فطرى نهفته است و اين استعدادهاي در بعضى از هنر جوان بنصه ظهور رسیده و بدى جهت
 بايد اطمينان داشت كه چنين استعدادهاي در صورتى كه بطور صحيح با يك منذ و

روش هنری پرورش یابد بطور قطع امکان بوجود آمدن هنرپیشه های بزرگی را قطعی خواهد ساخت. هنگامی که تهیه فیلم های فارسی آغاز شد با مستثنای هدهای از هنر پیشگان تاتر کسی بنام هنر پیشه سینما در ایران وجود نداشت از تهیه کنندگان فیلم هم هدهای دست بدامن هنر پیشگان تاتر شدند و هدهای دیگر نیز از دوستان و اطرافیان خود برای بازی در فیلم استفاده کردند بدین ترتیب بازیکنان سینمای ایران یا ستارگان درخشان کنونی آکتورهای بدون حالتی هستند که در غالب آنها کوچکترین چیزی بنام استعداد دیده نمیشود این بازیکنان بی حالت که در فیلمهای متعدد خود حالات بکنواخت چهره و بازی خود را حفظ کرده و از یگانه قالب اصلی خود بیرون نمیآیند در نتیجه فقدان کلاس تربیت هنرپیشه به مفهوم حقیقی بازی آشنا شده اند اکثر اوزن و مرد متوسل به ژست های تصنعی و غیر طبیعی مثلا ابرو انداختن خماری کردن چشمها یا آج و کوله ساختن خطوط چهره میشوند که نتایج مشاهده بسازی هنر پیشگان خارجی در آنهاست بعضی دیگر که تازه با بعالم سینما گذاشته اند آنقدر دچار تزلزل اراده میشوند که دست و پای خود را در مقابل دستگاه فیلمبرداری کم کرده و حرکات غیر طبیعی از خود نشان میدهند این بازی هنر پیشگانی است که در تاتر اصلا بازی نکرده اند و اما بهترین هنر پیشگان سینما را همان هنر پیشگان تاتر تشکیل میدهند که متاسفانه بازی آنها نیز کاملاً بسبک تاتر است و برخی اوقات بقدر دشت و سر خود را حرکت میدهند و بسبک دکلاماسیون صحبت میکنند که بیننده ای که با قواعد سینمایی آشنا باشد دچار وحشت میشود تنها اینها دیگر دست خوشبختانه دست و پای خود را در مقابل دستگاه فیلمبرداری کم نمیکند

سرهیم بندی یا کم خرجی

يك مسئله اساسی که موجبات ابتدال و عدم پیشرفت سینما و گرافو را فراهم میآورد همانا مسئله سرهیم بندی در تهیه و تنظیم صحنه های فیلم است چند بار دیده شده که از يك دکور کوچک و ناچیز برای چند فیلم استفاده میشود استودیوها برای اینکه خرج کمتر بکنند سعی میکنند که اولاً زمان و مکان داستان را طوری قرار بدهند که کمتر احتیاج به مسافرت یا تهیه دکورهای عظیم داشته باشند در غالب فیلمها دکورها بقدری فقیر و ناچیز بوده اند که خانه و اطاق يك اشراف را بیشتر شبیه باطاق يك فقیر ساخته اند که چند تابو ذیقیمت بر دیوارهای آن نصب شده است همین کم خرجیها و سرهیم بندیها اساس موضوع فیلم را پایمال ساخته و امکان هنرنمایی برای شرکت کنندگان در فیلم را نمی دهد شما خود فکر کنید که با این سرهیم بندیها با توجه به مقاصد غیر هنری تهیه کنندگان فیلم محصولات سینما چه باید از آب دربیاید؟

با هم بيك استودیو برويم

برای اینکه بهتر بوضعیت استودیو آشنا شویم بهتر است چند لحظه‌ای به استودیو ها بیایید واقعیات تلخی در پس پرده سینما در ایران نهفته است که مانند سایر حقایق زندگی مبالغه و ناکوار است (البته برای کسانی که آنرا حس کنند) مقصودم از این شرح و توضیح بیان نکات و حقایقی است که مانع از رشد و تکامل و ترقی سینما توگرافی و ابتدال محصولات سینمای ایران میشود، این حقایقی است است که نویسندگان و ارباب جراید مترقی! نیز بدان توجهی نمی‌کنند و صفحات خود را اختصاصی به تعریف و تمجید های بیمورد و زنده از محصولات فارسی داده و نام این طرز عمل را تشویق می‌نهند!

در حالیکه این طرز عمل گذشته از اینکه مانع از ترقی و توسعه فیلم برداری میشود جنبه مسخره‌ای بخود گرفته و موجبات انحراف و عدم پیشرفت و حتی دلسردی هنر مندان و انتمی را که در میان این منجلاب تلاش می‌کنند فراهم می‌آورد.

من این صفحات را اختصاصی به تعریف و تمجید های بیمورد نسبت بکارکنان سینمای ایران نمیدهم، زیرا عقیده مندم که باید بیشتر اشتباهات و انحرافات را متذکر شد و بدون جهت اشخاصی را بزرگ نکرد بلکه با وجود اینکه صاحبان استودیوها بنظریات افراد مطلع و یا نوشته‌های انتقادی که برای راهنمایی آن ها بوده است کمتر توجه داشته‌اند باز هم مبارزه را باید تا سرحدی ادامه داد که هنر سینما بتواند در راه صحیحی جریان پیدا کند و هدف هنری جایگزین مقاصد صرف مادی گردد. برای اینکه بیشتر بطرز تفکر افراد و طرز کار استودیو پی ببریم با هم بیچند استودیو برویم:

در يك استودیو جدید التاسیس

تقریباً یکسال و نیم پیش بود که یکی از دوستان با اصرار زیادی مرا برای آشنایی بیکی از استودیوهای جدید التاسیس برد ساعت تقریباً ۵ ر۶ بعد از ظهر بود که باتفاق از پله‌ها بالا رفتیم. دوستم در مقابل دری ایستاد چند ضربه آهسته زد باشنیدن کلامه فرمائید ما داخل شدیم و من خود را با جوانکی روبرو دیدم که فوق‌العاده شیک پوشیده و با لهجه نیمه فرنگی صحبت می‌کرد. دوستم بنا بقاضای قبلی خودم مرا بعنوان يك علاقمند ساده بدون ذکر نام به مدیر و کارگردان استودیو که همان آقای جوان بودند معرفی کرد دستور چایی داده شد و آقای تهیه کننده و

کارگردان و رئیس استودیو ... که قطعا تمام هوش و حواسشان متوجه کار خودشان بود و میخواستند زرنگی و هنر خود را برخ ما بکشند دائما از کار خود صحبت میکردند من نیز بمقتضای کنجکاوی ذاتی که نسبت بدین مسائل دارم در ضمن صحبت برای کسب اطلاعات بیشتر پرسیدم که تشکیلات استودیو شما چگونه است؟ در جوابم گفت: دو اطاق، چله و يك محوطه انبار مانند محل کار ما است، يك پوژكتور كوچك هم از يك استودیو بقرض گرفته ایم!! خوب تصور کردم این هنرمندان فقیر و غدا کاری هستند که بعلت علاقه مفرط به فیلم برداری از هیچ عطرزکاری رو گردان نمیشوند! در دنباله صحبت از کار هنرپیشه های که عجالتا در نظر گرفته شده اند پرسیدم. خیلی خونسرد و عادی جواب داد: ای آقا، من فنای صمیمی زیادی دارم که بمن افتخارا کمک میکنند همانها در فیلم من بازی خواهند کرد بجان شما هیچکس بهتر از رفیق آدم نمیشود! بالاخره طاقت نیاورده پرسیدم: رئیس شما کیست؟ در جوابم گفت: خود بنده هستم! و هنگامیکه از او میزان اطلاعات و تحصیلاتش را جویا شدم اظهار داشت: من چند ماه در فرانسه بودم بهلاوه بیست سال است که مرتب فیلم میبینم و اطلاعات مبسوطی از این راه برای رئیسوری بدست آورده ام چون همه جور فیلم دیده ام... بدمم اضافه کرد که در کودکی علاقه زیادی بهکس آرتیست داشته است! دیدم که چقدر از قافله دور هستم و متوجه شدم که آشنائی با این استودیو جدیدالتاسیس کفایت نمیکند! و اما آقای محترم مشغول شرح پروژه های آینده خود بوده و می گفتند فیلمهای تجارتنی تهیه خواهند کرد که دست فیلمهای خارجی را از پشت بسته و رکورد کلیه فیلمها را از لحاظ فروش بشکنند. و اما در زمینه قسمتهای هنسری معتقد بودند که مردم چیزی سرشان نمیشود! پس باید فیلمهایی تهیه کرد که با استفاده از تفهمی مردم در آمد بیشتری داشته باشند هنگامی که از خدمت آقا مرخص میشدم دو ستم اقدام به معرفی من نمود ولی آقا بدون اینکه بروی مبارك بیاورد گفت چقدر خوشوقتم! خیلی میل داشتم باشما آشنا شوم اگر ممکن است شما با ما همکاری کرده قسمت فنی کارهای ما را بپذیرید تا... صحبتش را قطع کرده توضیح دادم که من يك نویسنده و منتقد سینمایی میباشم و فیلم بردار نیستم و از در خارج شدم در حالی که قطع دانستم از این توضیح من سر در نیاورده است.

يك صحنه فيلم چگونه تهيه ميشود

ساعت ۱۲ را اعلام ميکورد در سالن استودیو محشری پايود زیرا ميخواستند یکی از صحنه های بی نظیر يك فيلم بزرگ را تهيه کنند. فيلمبردار در پشت دستگاہ فيلمبرداري و شاگرداش در پشت دستگاہ های پروژکتور قرار گرفته آماده کار بودند. فيلمبردار بالهجه نیم عربی هنرپشگانی را که مشغول گريم بودند صدا ميکورد در يك گوشه محوطه دکور بين رژیسور و صاحب فيلم بر سر گريم یکی از بازیکنان مشاجره در گرفته بود زیرا صاحب فيلم عقیده داشت که آن بازیکن ریش باید انبوه تر باشد ولی رژیسور بالعکس معتقد بود که آن بازیکن اصلاً ریش نباید داشته باشد در گوشه دیگر برخی از تماشاچیان و بازیکنانی که در آن صحنه راسی نداشتند بانهایت بیصبری منتظر بودند چه موقع صحنه تمام شده موقع نهار فرامیرسد! از آن طرف در اطاق پهلوی صحنه دیگر مشغول صدا برداری از فیلمی دیگر بودند و اما در اطاق را باز کرده فریاد میزدند:

آقا يك خورده بواش تر کار کنید! در این موقع بحث رژیسور و صاحب فيلم بجای بازیکی کشیده ولی فيلمبردار که حوصله اش کلمی سر رفته بود و میترسید دانسته این بحث به اختلاف کشیده شده و او از حقوق خود محروم شود میانجیگری کرده و گفت: چه فرق میکند ببینید خودش چه میگوید چرا وقت را بیهوده تلف میکند؟ قضیه بدین ترتیب فیصله و سرهم بندی شده و امانتاً اصل کار هنوز آماده نشده بود زیرا هنگامیکه همه حاضر بکار شدند متوجه گشتند که سناریو فیلم نیست همه جاد نباش گشتند بعد معلوم شد تنها نسخه سناریو در منزل بکنفر مانده است به علاوه ساعت يك و فيلم بعد از ظهر و موقع نهار بود بر پدیر بدشاشی لغت ا

نهار چلو کباب داشتند هنگام عظیمی پاشد يك ديك بزرگ وسط محوطه گذاشتند چند نان سنگك هم پهلوش قرار دادند صاحب فيلم که می خواست همه از او راضی شوند دستور چلو کباب فراوانی داده بود ضمناً باصراری زیادی میخواست همه را با اندازه کافی سیر و راضی بکند دو يك چشم بهم زدن محتوی ديك را در بشقابها خالی کردند پس از نیم ساعت در حالیکه روی ميز و صندلی های دکور پر از سبزی و نان کبابی شده بود رژیسور فریاد زد خوب شروع کنیم زود باشید سبزی ها را جمع کنید پشت ميز بریزید تا در دورین دیده شود. میدوید که ساعت چهار بعد از ظهر باید فيلم برداری از این صحنه تمام شود! بدین ترتیب فيلم برداری آغاز شد راستی ایشراهم باید گفت که این استودیو از مجهزترین استودیوهای تهران و فیلمی هم که در آن موقع تهيه ميشد از بهترین و بزرگترین فيلم های فارسی سال بود.

مراسم باشکوه سینمایی

ما خوانندگان عزیز که قطعا از دوستانان سینما هستیم باید از مراسم پر جلال و جبروت هنری و معرفی هنرپیشگان و کارکنان فیلم های فارسی مطلع شده باشید من در اینجا یکی از این مراسم را آنطور که بوده است برای شما تعریف میکنم شاید شما در آن موقع در آن مراسم نیز حضور داشته اید و خود شاهد جریانات آن شده باشید :

شب اول نمایش فیلم بود رژیسور و هنرپیشگان فیلم تصمیم به تهیه یک مراسم سینمایی جهت تبلیغ برای فیلم خود گرفته بودند قرار بود مراسم بطور ساده و مختصر در سانس سوم برگزار شود موقع شروع سانس سوم رژیسور و هنرپیشگان همگی جمعا در بهترین اثر سینما قرار گرفتند البته جناب رژیسور که فیلم بردار آن فیلم نیز بود در وسط شاگردان خود قرار داشت یکساعت که از شروع فیلم گذشت بنا به تصمیم قبلی خواستند دسته گل های متعدد و بزرگی را از سالن انتظار به آن آورده و در پشت هنرپیشگان قرار دهند ولی چون دسته های بزرگ و گلدانهای بزرگ گل در کاغذ زرد رنگ پیچیده شده بودند و در ب ورودی اثر نیز بی اندازه کوچک بود اشکال زیادی بوجود آمد و صدای خشن و ناراحت کننده زورق ها داد و فریاد تماشاچیان را بلند کرد فشار چند گلدان بزرگ گل بر پشت هنرپیشگان آنها را از دیدار روی مبارکشان در روی پرده سینما بکلی بازداشت بطوریکه یکی از خانم ها گفت ترا بخدا ما گل نمیخواستیم شما که پدر ما را در آوردید ! ولی بامزه تر این بود که صدای خشن خشن کاغذها و باز و بسته شدن درب اثر تماشاچیان را متوجه ساخته بود که جریاناتی در شرف وقوع است بدین جهت حواسشان بکلی پرت شده و در تاریکی سرهایشانرا بطرف اثر مخصوصا برگردانده بودند و بانهایت بیصبری منتظر روشن شدن چراغ بودند فیلم تمام شد .. با مشاهده هنرپیشگان صدای کف زدن و سوت شدید مدعوین را بلند شد ولی مانند همیشه تماشاچیان که از وجود یک فیلم واصولا سینما چیزی جز عملیات آرتیست ها ندانسته و تصور میکنند فیلم از بازی هنرپیشگان تشکیل شده است به جناب آقای رژیسور توجهی نفرمودند . رژیسور که بمرتبه نفسش برخورد کرده بود و میل داشت توجه و علاقه مردم را نسبت به خود برانگیزد ناگهان دست بمیان گلها زده و یکدسته از آنها را بطرف تماشاچیان پرتاب کرد بدین ترتیب عده ای که او را می شناختند چون دیدند او گلها را که ظاهرا به هنرپیشگان اهدا شده بود بطرف مردم پرتاب میکند فریاد زنده باد را بلند کردند . رژیسور که تشویق شده بود با حرارت زیادی دسته های گل را از هم

گسیخته و به هنر تماشاچیان میکوبید. تدریج دیک طمع تماشاچیان بجوش آمد آنها هم خواستند با حرارت خود به این حرارت جواب متقابل دهند تا گه آن همه از صندلی های خود بلند شده و با سرعت دجیبی بطرف جایگاه مخصوص هنرپیشگان هجوم بردند تا مقدار گل بیشتری بپنک آورند و لحظه ای نگذشت که طمع گل فیلم و هنرپیشگان آنرا بیکلی به فراموشی سپرد دیگری کسی کسی را نمی شناخت نگذشت بود که بهر طرف زده میشد ستاره اول فیلم غش کرد ستاره دوم فیلم زیر دست و پا افتاده بود ولی رژیسور هنوز مشغول پرتاب کردن گل بود صدای شکسته شدن صندلی بگوش میرسید فشار جمعیت بقدری شدید بود که درب اثر بازمی شد و پاسپانها قادر نبودند از اژدها بکاهند البته این اژدها دیگر برای هنرپیشگان نبود بلکه برای گل بود هر کس فریاد می زد نبود : «یاک خورده بمن بدم» ولی تمام گلها زیر دست و پا له و محو شد گلدانها شکست و چند دقیقه بعد دیگر از گل اثری باقی نمانده بود آنوقت همه نفسی براحتی کشیدند سالن خلوت تر شد و متصدیان سینما توانستند خود را به ستاره اول فیلم رسانند چند قطره آب روی صورتش پاشند ولی مردم همه گل میخواستند و بار هوش گل روی زمین فقط مقداری گل بود رژیسور هم عقب گل میدوید تا شاید از رفتن تماشاچیان ممانعت کند در این میان فقط چند پسر بچه خورد وصال ژنده پوش باعجز آتماس تقاضا می کردند که لا اقل سبدهای خالی گل به آنها داده شود بدین ترتیب یک مراسم باشکوه سینمایی خاتمه پذیرفت در حالیکه رژیسور نام آنرا «یکشب فراموش نشدنی» گذاشته بود .

جنگ رژیسور و تهیه کننده

یکی از حوادث بامزه و تلخ دیگر اختلاف رژیسور و پرودو کتور است در میان رژیسور ها افراد مطلع و هنرمندی یافت می شوند که هدف صحیح هنری انتخاب کرده اند بین آنها و صاحبان استودیو ها دائما مشاجره میشود یکشب آقای رژیسور خواست برای دیدن یکی از صحنه های که خود تهیه کرده بود به لابراتوار شست و شوی فیلم برود اما متصدی لابراتوار جلوی او را گرفت و گفت: بیخشید شما نمیتوانید داخل اینجا بشوید.

چرا؟ من رژیسور هستم و میخواهم فیلم خودم را ببینم مگر چی شده؟
والله ارباب دستور داده اند که بدون اجازه ایشان کسی داخل اینجا نشود.
رژیسور که خود را در مقابل چنین جریان نامناسب و غیر منتظره ای دید بدون تأمل باطاق پرودو کتور رفت.

— آقا چرا مرا به اطاق لابراتوار راه نمی دهند؟ این وضعیت چه معنی دارد؟
شما چکار دارید به آنجا بروید؟ شما کار خود را بکنید
عجب من رژیسور فیلم هستم من حق دارم که فیلم خودم را ببینم چه کسی دستور داده که مرا به لابراتوار راه ندهند؟

من دستور داده ام ... رژیسور که عصبانی شده بود جواب داد :
تو که خوردی ! پرودو کتور که تصور نمیکرد کسی بتواند با او برخاش کند دچار وحشت شد و گفت تو مزدور من هستی تو از من پول میگیری و باید برای من کار کنی ولی رژیسور با تبسم پراز تنفر و استهزاء باین کلمات پاسخ داد و باین همکاری فیما بین خاتمه داده شد .

کارکنان سینما نوگرانی ایران چه میگویند؟

حسادت، بدگویی، کینه توزی، سخن چینی و تحریک افراد علیه یکدیگر مجموعه جریاناتی است که در استودیو های فیلم برداری ایران حکومت میکنند آنهایکه صرفاً هدف مادی دارند و از پیشرفت همکارانشان و خشت میزمایند دائماً یکدیگر را به داشتن معلومات محکوم میکنند و هر يك دیگری راهروام بی سواد بی استعداد میخواند و هیچ يك از امکانات موجود خود برای پیشرفت کار خود از ایضا جنبه هنری استفاده نمیکنند.

بزرگترین اساس برای تهیه يك فیلم همانا مشخص شدن وظائف مسئولین امر میباشد درحالیکه در اینجا نمیخواهند حتی این وظیفه را مشخص کرده و کلیه متصدیان را در جریان عمل قرار بدهند بد نیست توجهی به سخنان این مسئولین یعنی تهیه کنندگان و کارگردانان و هنرپیشگان بکنیم و بدانیم آنهاچه میگویند:

کارگردان چه میگوید؟ هنگامیکه با کارگردانی مواجه میشوید

مثل اینکه بخواهد خود را تبرئه کند میگوید: (آقا من چه میتوانم بکنم، يك سناریو بدستم میدهند يك فیلم بردار نجوج همراه میسازند با چند هنر پیشه که بومی از هنر پیشگی آورده اند و من باید حتی طرز راه رفتن و صحیح تکلم نمودن را بآنها یاد بدهم مأمور کارم میسازند... اگر من آزاد بودم می دیدید، چه ابتکاراتی بکار برده و چه فیلمی تهیه میکردم)

هنر پیشه چه میگوید؟ هنر پیشه ها بر دو دسته اند آنهائی که دیگر

خود را مشهور و بی نیاز حس کرده تصور میکنند که معلوماتشان از رؤسایور بیشتر بوده و باقیه در هر هستند و آنهایکه هنوز برای خود صاحب تشخیص نشده و بخوبی می دانند که نباید اظهار فضل کنند که البته اکثریت بادهسته دوم است افراد دسته اول میگویند: (با این کارگردانها که چیزی سرشان نمیشود چگونه میشود کار کرد بارها درحین بازی بآنها متذکر شده ایم که طرز فکرشان غلط است اگر ما به اختیار خود بودیم استعدادمان بمنصه ظهور میرسید) افراد دسته دوم میگویند: (این هم کار شد نه پول میدهند و نه تشویق میکنند ما که چیزی بلد نیستیم کسی هم نیست که ما را راهنمایی کند) اینها نمیدانند که بنام هنر پیشه بازبچه يك تجارت شوم سینمایی هستند هرزمانی که بآنها احتیاج شد مورد استفاده قرار میگیرند و در غیر اینصورت فراموش میشوند.

تهیه کننده چه میگوید؟ قطعا این موضوعات را باید تهیه کننده یا پرودوکتور حل کند ولی در مراحل سینمایی میگویند پرودوکتور و ژنرال دشمن سرسخت بکندیک تهیه کننده باصورت حق بجایی میگوید: (من پول مسریزم هزارها تومان خرج میکنم ولی پول مرا به باد میدهند هنر پیشه های ما چگونه قید اخلاقی ندارند نه سر موقع در استودیو برای کار و تمرین حاضر میشوند نه به حرف آدم گوش میکنند... هر وقت میاشنان کشیدم بآبند آقا ر لاقیدی برای کسانیکه خود را هنر پیشه میدانند نك آورد است آقایان کارگران هم باید بدانند که من تجارت میکنم و فیلمی میخواهم که بیشتر استفاده یولی داشته باشد و بنا بر این حتما باید (قص و آوری از زندگی و کارنامه داشته باشد) برخی اوقات هم بکنفر هم نود سرمایه بکنار هم خود داستان فیلم را می نویسند هم ژنرالی و فیلم برداری میکنند هم هنر پیشه اول فیلم میشود و آنوقت باید دید این نایف و هر چه میگوید؟ هرچ در مرج فکوری است که معلوم نیست به کجا ختم میشود

راه صحیحی انتخاب کنیم!

ما از نکات بالا حقایق تلخی را نتیجه می گیریم هر کسی بابت دست آوردن مختصر پول و اکتیاع بکدستگاه فیلمبرداری بعنوان رژیسور، تهیه کننده و یا هنر هنوان دیگر (چون گرفتن عنوان در این کشور مجاز است) شروع تهیه فیلم می کند چون کسی مانع با مزاحم عملیات او نیست برای اینکه بیشتر از استفاده های مادی بهره مند شود پامشقی سر هم بندی چیزی تمام فیلم تهیه کرده و روی پرده سینمایی آورد و توده مردم بجزم دانستن زبان و علاقه به هنر پیشگان و موسیقی ملی خود به تماشای این فیلم ها میروند و بدین ترتیب مشتی پول بهجیب این آقایان می رود و همین اشخاص با وجود آنکه میدانند عده بی شماری از مردم بطرز کار و هدف صرف مادی آنها واقف می باشند با تطمیع بعضی افراد روزنامه نویس مطالبی بنفع خود و کارهایشان در جراید انتشار میدهند و عنوان آن را هم تشویق از کارکنان و هنر پیشگان می گذارند و معتقدند که چون این هنر در ایران جوان است بنا بر این هر فیلمی بهر شکل که تهیه شد باید مورد تجوید و تشویق قرار گیرد .

ما باید يك اساسی را قول کنیم این اساس حمایت از يك طرز کار صحیح میباشد که نتایج عملی بنفع اجتماع داشته باشد هنگامیکه هدف در هر کاری صحیح نبوده و حتی زیان بخش باشد از آن کار و از آن روش نباید پشتیبانی کرد و بانثوبق های بی مورد این انحراف را تقویت نمود بلکه بالعکس باید حتی التقدور رسمی کرد که روش غلط تغییر یافته و روش صحیح برگزیده شود ما نباید اجازه دهیم که هنر ظریف سینما را در کشور باژیچه تجارت و مده مادی قرار دهند در مقدمه يك کار آنرا باشکست رو بر وسازند در کشوری که اصلا سینما وجود نداشت تا کمان ده ها متخصص رژیسور و فیلم بردار پیدا شدند و تعداد استودیوها از سی تا هم متجاوز نگردید در طی سال ۱۳۳۱ بیش از ده فیلم فارسی بر روی پرده آمد و در این میان فیلم هایی مانند حاکم یکروزه ، جدال با شیطان ، گلنما ، باغی و ملا سرالدین افندجات سینمایی محسوب می شدند که در آن گذشته از تفسیر هنر و زندگی مقاصد شوم صاحبان استودیوها نمودار گردید و کار بجائی رسید که بعضی از این فیلم ها دیگر مورد استقبال مردم قرار نگرفت بطوریکه در سال ۱۳۳۲ میزان محصولات فارسی که روی پرده آمدند به مراتب کمتر از سال ۳۱ بودند . برای ترقی و تکامل يك هنری که تازه در کشوری ایجاد میگردد مقدمات و اصول لازم است که بر مبنای هدف صحیحی جهت هموار ساختن ترقی و آینده آن هنر قرار داشته باشد و اما برای ترقی و تکامل صنعت سینما

توگرافی در ایران نیز لازم است روش و مقدمات ذیل برگزیده شود :

۱ - کلاسهای فنی - تشکیل کلاسهای فنی برای تربیت متخصص جهت فیلم برداری ، شست و شو ، و تئاز ، دکوپاژ و غیره که البته این کلاسها باید زیر نظر استادان خارجی از طرف وزارت فرهنگ و اداره هنرهای ملی تشکیل یافته و در طی يك تالیفات تئوریک و عملی هدای علاقمند را جهت قسمت های فنی سینما توگرافی تربیت نماید این زرگترین کادر سینمایی محسوب میشود که در پیشرفت سریع فیلم برداری موثر خواهد بود .

۲ - کلاسهای هنر پیشگی - با توجه به ذوق و استعدادی که در وجود ایرانی نهفته است و با توجه باینکه دختران و پسران مادر زمینه سینما هم دارای استعداد و آمادگی قابل توجهی میباشد اعطای لازم است کلاسهای مخصوص جهت تعلیم و تربیت هنر جوانان و تکمیل کادر هنرپیشگان سینمایی تشکیل داد تا دیگر استعدادهای موجود نشود و بقول کارگردان آنها چطور نباشند به هنرپیشگان طرز تکامل با راه رفتن را یاد بدهند یا مثلاً بعضی هنرپیشگان مشهوری که در نتیجه يك استعداد ذاتی در اولین فیلم نقش خود را به نحو احسنی ایفا نموده اند اما در نتیجه نبودن شرایط مساعد و تعلیم و تربیت صحیح دیگر پیشرفتی نکرده و در فیلم های بعدی خود نیز همان حالت و بازی بکنواخت را که در همان فیلم اول داشتند حفظ کرده اند و ارزش بازی خود را از دست داده اند بنابراین وجود و تشکیل کلاسهای هنرپیشگی از کارهای ضروری برای پیشرفت سینما است .

۳ - تهیه فیلم های خبری - همیشه باید قدم به قدم راه رفت اول قدم اول را برداشت بعد قدم دوم را قدم اول را نباید آنقدر بلند برداشت تا دیگر قدم دوم بلند نشود و بنابراین لازم بود اول متخصصین سینما برای تقویت تکنیک و فیلم برداری دست به تهیه فیلم های دکومنته و خبری میزدند و بعد از مدت لااقل دو سال هنگامیکه فیلم برداری تا اندازه ای کامل شده لااقل تئور و مونتاز وضعیت بهتری پیدا میکرد آنوقت شروع به تهیه فیلم های بزرگ میکردند نه اینکه در همان سال اول بایک تکنیک افتضاح و مونتاز خراب و پلان بندی غلط فیلم های بزرگ رنگی تهیه کرد

قسمت دوم

انتقاد فیلم

مبحث اصلی این کتاب بسمت انتقاد اختصاص دارد اکنون دیگر بر اهل هنر اهمیت انتقاد در کلیه زمینه های هنری بطور مخصوص مسلم و واضح است زیرا انتقاد یگانه و بهترین وسیله مبارزه جهت اصلاح هنر و راهنمایی هنرمندان بشمار میرود با وجود اینکه هنوز توده مردم و حتی خوانندگان جرارد و کتاب هنوز آنطور که لازم است با اهمیت انتقاد پی نبرده اند و کلیه نویسندگان که قلم انتقادی داشته و در زمینه های هنری مطالب انتقادی نوشته اند پس از چند مدتی به علت عدم درک اجتماعی مردم دست از ایسکار کشیده اند ولی باید انتقاد را برای توسعه روشن بینی عمومی ادامه داد ، اگر حقیقت را بخواهید هنوز اکثریت قاطعی بمفهوم اصلی انتقاد آشنا نشده و اصلا از این کلمه سردر نیادیده و معنی آن را هم بدگویی از چیزی میدانند ، چون هیچک از هنرها در ایران بمفهوم واقعی خود شناخته شده انتقاد هم یکی از مسائل دشواری است که هنوز سطح فرهنگ کشور اجازه شناختن آنرا نمیدهد ، بارها شنیده ام که افراد روش فکر و تحصیل کرده عمل انتقاد را مسخره کرده و مباحث انتقادی سینما را مطالب غیر مفهوم و بی ارزش وانه اند ، همین اشخاص هنگامیکه بامن رو بر رو شدند بقول خود دوستانه تذکر میدادند که دست از ایسکاری پیوده و مسخره بردارم و اصلا هنر سینما را کوچکتر از آن میدانستند که درباره آن بحث شود این طرز تفکر متأسفانه میان طبقه منور افکار این کشور که کاری جز گردش در خیابانهای مرکزی شهر و عیاشی ندارند شدیداً نفوذ دارد ، سینما برای این اشخاص یک وسیله وقت گذرانی است و در جرارد نیز چیزی جز نواهای هوس انگیز هشتی و داستانهای جنایی نمیشوایند بخواهند ، بارها با برخی آقایان مدیران جرارد بر سر نوشتن مطالبات سینمایی بحث کرده ام ، آنها عقیده داشتند که باید سلیقه اکثریت رعایت شود ، ولی ما خوب میدانیم که چه نوع فیلمهایی مانند دختر چوپان از میان محصولات فارسی و « طرابلس » و « باسین » « چراغ جادو » و « جانباز » از میان محصولات خارجی با استقبال شدیدی روبرو میشوند در حالیکه شاهکارهای پر ارزش هنری و اجتماعی که تجلی واقعی هنر سینما هستند مانند فیلمهای « تراموای بنام هوس » و « پایان یک عمر » اصلا مورد توجه

واستقبال عمومی روبرو نمیشوند در طوسی چند سال اخیر بطور محسوس سطح فکر مردم بالا رفته و بتدریج فیلمهای بر ارزش نیز با استقبال عمومی روبرو میشوند از جمله فیلمهای «افرش» و «جانی بلیندا» که مدت‌های متمادی در تهران نمایش دادند ولی يك بررسی دقیق نشان داد که فیلمهای فارسی بر فیلمهای خارجی صدمه زدند، بدین معنی که نمایش محصولات فارسی موجب شد که صدمه زیادی بر تعداد تماشاچیان سینما اضافه شود این تماشاچیان جدید آورد که بخاطر فیلم فارسی شروع بسینما رفتن کرده بودند چون تعداد فیلمهای فارسی کم بود و آنها نیز میخواستند که هفته یکبار بسینما روند بدینار فیلمهای خارجی شتافتند و البته چون به تیب فیلمهای فارسی عادت کرده بودند هیچیک از فیلمهای خارجی مورد پسندشان واقع نشد بخصوص از فیلمهای سنگین در انا تیک وحشت نمودند، بدین جهت حالا دیگر فیلمی دیده نمیشود که از عیب جوئی و اعتراض افراد مختلف در امان باشد، برای هر فیلم عیبی میگیرند و نظریات بقسری زیاد و در عین حال متضاد شده که اگر شما درباره يك فیلم از دو شخص مختلف سؤال کنید آنفلم بطور است هر يك بنحوی اظهار عقیده میکنند و هیچیک از این اظهار نظرها با هم توافق و یا تشابه ندارند، بدین ترتیب جایزال عجیب بوجود آمده است که معلوم نیست چه تشبیه‌هایی در بر خواهد داشت بخصوص که تعداد تماشاچیان سینما در سال ۱۳۳۲ دو برابر سال ۱۳۳۱ گردیده است.

سلیقه شخصی و قضاوت هنری: مسئله مهم دیگری که کمتر مورد

توجه قرار میگیرد همانا وجه تمایز سلیقه شخصی افراد با يك قضاوت صحیح هنری است. بیشتر اشخاص روی خوش آمد های شخصی برای فیلم تعیین ارزش میکنند درحالی که باید بین سلیقه شخصی و ارزش اجتماعی فیلم فرق گذاشت بخصوص در مسئله انتقاد باید بکلی روی سلیقه های شخصی قلم کشیده شود زیرا چه بسا اشخاصی که به نکات و چیزهایی علاقمند هستند که از لحاظ اجتماعی برای دیگران کوچکترین ارزشی ندارد.

سلیقه و خوش آمد شخصی چیزی است که فرد از لحاظ شخصی بمقتضای روحیات مخصوص خود از آن لذت میبرد و این لذت فردی دلیل بر ارزش آن چیز مورد نظر نیست زیرا ممکن است شما شخصا از موسیقی جاز یا موسیقی محلو لذت ببرید ولی نباید از لحاظ هنری و اجتماعی آنرا مافوق و یا بهتر از موسیقی کلاسیک بدانید بنابر این بین سلیقه و خوش آمد شخصی و قضاوت صحیح هنری باید تفاوت گذارد.

وظیفه منتقد

شخص منقد وظیفه دارد به مقتضای تخصص و هدف خود سینما یا هر هنر دیگر را که مورد بحث قرار می‌دهد آنطور که لازم است با مفهوم واقعی خود به مردم بشناساند، عمل آنرا د به منظور تجزیه و تحلیل محصولات و آثار هنری از لحاظ اجتماعی برای توسعه فرهنگ و سطح روشن بینی توده‌های مردم است بدین جهت انتقاد باید بر یک پایه و اصول صحیح اجرا گردد گذشته از اینکه شخص منتقد باید

هر گونه افراض شخصی یا ملاحظات دوستانه را بکلی کنار گذارد باید از سلیقه شخصی و خوش آمد آبی خود نیز در موقع بحث و انتقاد چشم پوشی کند زیرا انتقاد برای بیان سلیقه فرد نیست بلکه بکامل اجتماعی برای بیان حقایق و واقعیات هنری است در طی تاریخ مقدماتی در زمینه ادبیات و سایر هنرها مانند بلینسکی وجود داشتند که همه آنها نیز بسیار محدود بود ولی در زمینه سینما که کاملترین هنرها شناخته شده است نه تنها منفی ثابتی وجود نداشته بلکه از لحاظ انتقادی درباره سینما کمتر بحث شده است و مطالب سینمایی در مجلات و مجلات دنیا اختصاص به نظیم ریورتاژ از کپیهای ها و کارخانجات فیلمبرداری، شرح و تفسیر فیلمهایی که تهیه می شوند و پیکر افرو هنرپیشگان البته شکل شرح زندگی خصوصی آنها اختصاص داشته است تا اینکه در چند سال اخیر در آمریکا اروپا و همچنین شوروی بعزت تشکیل و فعالیت نهضتها و سینه آلبوم های هنری نویسنده گانی هم به وجود آمدند که درباره هنر سینما دست به بحث و انتقاد زدند ولی ما باید بخوبی بدانیم که ما بطور که انتقاد صحیح درباره محصولات سینمایی از لحاظ شناساندن این هنر به مردم و تعیین ارزش فیلم ها دل موثری را ایفا میکند همانطور هم روش غلط در انتقاد موجب گمراهی خوانندگان را فراهم می نماید. بنابراین برای معرفی و بیان نکات هنری بوسیله انتقاد باید دقت و نکته بینی کاملی بکار رود تا اثر و نتیجه آن از لحاظ اجتماعی مطلوب و مفید باشد.

